

بررسی دیدگاه اعضای هیئت علمی و مدیران گروه‌ها در مورد راه اندازی رشته‌های علوم انسانی و چگونگی پذیرش دانشجو در پردیس‌های دانشگاهی (مطالعه موردی: دانشگاه اصفهان)

Investigating the Viewpoints of Faculty Members and Heads of Departments about Setting up Different Disciplines of Humanities and Manner of Admission in Academic Campuses; the Case of University of Isfahan

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۰۴/۳۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۳/۰۷

Leila Heshmatifar

Mohammad Javad Liaghatdar

Morteza Haj Hoseini

لیلا حشمتی‌فر*

محمدجواد لیاقتدار**

مرتضی حاج‌حسینی***

Abstract: This study aimed at achieving the possibility of setting up diverse disciplines of humanities and manner of admission in University of Isfahan. This qualitative research was conducted using survey method. The statistical population was composed of Heads of Departments and Faculty Members in Faculty of Humanities in University of Isfahan. Accordingly, 20 subjects (10 Heads of Departments and 10 Faculty Members) were selected as statistical sample based on purposeful sampling method. The semi-structured interviews were considered the research tools in this study. The interviews were conducted in-person within 30 to 40 minutes. Next, the data were categorized and then analyzed. The research results showed that there were diverse (positive and negative) viewpoints towards setting up academic campuses. Regarding the notion of student admission process in campuses, most of subjects believed that it should be done through a decentralized method using a domestic test. Regarding the mechanism for passing the courses, the majority of respondents preferred education-research method over other methods. Finally, the respondents argued that doing research and passing the thesis were their main objectives in graduate studies.

Key words: Student admission process, academic campuses, Faculty Members, Heads of Departments.

چکیده: هدف از اجرای این پژوهش، بررسی امکان راه‌اندازی رشته‌های علوم انسانی و چگونگی پذیرش دانشجو در پردیس دانشگاه اصفهان بود. نوع پژوهش کیفی بود که با استفاده از روش زمینه‌یابی اجرا شد. جامعه آماری پژوهش، مدیران گروه‌ها و اعضای هیئت علمی علوم انسانی دانشگاه اصفهان بودند. بر این اساس، از بین جامعه آماری، ۲۰ نفر (۱۰ نفر مدیر گروه و ۱۰ نفر عضو هیئت علمی)، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. مصاحبه به صورت حضوری و طی مدت ۳۰ تا ۴۰ دقیقه انجام گرفت. اطلاعات گردآوری شده ابتدا دسته‌بندی و سپس به شیوه مقوله‌بندی، تجزیه و تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان داد که دیدگاه افراد به راه‌اندازی پردیس‌های دانشگاهی با هم متفاوت بوده و نظرات مخالف و موافق به این موضوع دارند. در مورد چگونگی پذیرش دانشجو در پردیس دانشگاه، بیشتر با آزمون داخلی و شیوه غیرمتمرکز موافق بودند. در خصوص چگونگی گذراندن دوره، شیوه آموزشی-پژوهشی را بر دیگر شیوه‌ها اولویت دادند و مهم‌ترین هدف در مقطع تحصیلات تکمیلی را پژوهش و گذراندن پایان‌نامه دانستند.

واژگان کلیدی: چگونگی پذیرش دانشجو، پردیس‌های دانشگاهی، اعضای هیئت علمی، مدیران گروه‌ها

* دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول): l.heshmatifar@edu.ui.ac.ir

** استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان

*** استاد گروه فلسفه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان

مقدمه

آموزش عالی^۱، بالاترین و آخرین مرحله نظام آموزشی یا به عبارت دیگر رأس هرم آموزش در هر کشور است. در ایران، به تحصیل در دوره‌هایی که پس از پایان تحصیلات دوره متوسطه صورت می‌گیرد و به کسب مدارج کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری منجر می‌شود، «آموزش عالی» اطلاق می‌شود. اهداف و نقش آموزش عالی، تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز جامعه، ترویج و ارتقای دانش، گسترش تحقیق و فراهم کردن زمینه مساعد برای توسعه کشور است. دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، نه تنها به دلیل تربیت نیروی انسانی متخصص، بلکه به جهت گسترش مرزهای دانش و از دیدگاه‌های رشد شخصی، ملی و بین‌المللی مورد توجه هستند. آموزش عالی، کم‌وبیش در تمامی کشورها اهداف کلی و اساسی مشخص شده‌ای را دنبال می‌کند که عبارت‌اند از: الف- اجرای پژوهش‌های بنیادی، علمی و کاربردی به منظور گسترش علم و دانش در جامعه؛ ب- تربیت و تأمین نیروی انسانی ماهر، متخصص و کارآمد مورد نیاز بخش‌های مختلف جامعه؛ ج- تسهیل تحقق اهداف اجتماعی- فرهنگی و اعتلای سطح فرهنگی جامعه (مدهوشی و نیازی، ۱۳۸۹). در سال‌های اخیر به دلیل تغییرات زیادی که از منظرهای متفاوتی در جمعیت و اقتصاد کشورها رخ داده به تناسب آن آموزش عالی هم دستخوش تغییر و تحولات شده است. چنانچه باید تحولات ساختاری جامعه ایرانی را به تحولات ساختاری در جهان افزود. جامعه‌ای با جمعیت جوان و مطالبات رو به رشد، به علاوه مشارکت‌جویی‌های در حال افزایش زنان، روز به روز تقاضای دسترسی به آموزش عالی را افزون‌تر می‌سازد. نظام‌های آموزش عالی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران تحت فشارهای دوسویه قرار دارند. از یک سو، فشار ناشی از ضرورت‌های توسعه، تقاضای اجتماعی برای ورود به دانشگاه و نیاز بخش‌های مختلف اقتصادی به نیروی متخصص که بسط آموزش عالی را می‌طلبد و از سوی دیگر، کمبود منابع مالی و امکانات مورد نیاز برای گسترش آموزش عالی که محدودیت‌ها را در پی دارد. از این‌رو، دغدغه همیشگی برای سیاست‌گذاران و مسئولان آموزش عالی این بوده است که با توجه به امکانات موجود، میزان گسترش و ظرفیت پذیرش بهینه دانشجو در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی چقدر می‌تواند

^۱. Higher education

باشد تا معیارهای کیفی آموزش عالی نیز رعایت شود (روشن، ۱۳۸۹). از این‌روست که افزایش جمعیت از یک سو و کمبود پذیرش دانشگاه‌های دولتی از سوی دیگر به پدید آمدن مؤسسات و دانشگاه‌های خصوصی همچون دانشگاه‌های غیرانتفاعی و دانشگاه آزاد اسلامی منجر شده است. شایان ذکر است که پردیس‌های خودگردان و پیام نور هم به‌نوعی روند خصوصی‌سازی آموزش عالی در کشور را تسریع کرده‌اند. با این وجود، تأسیس و گسترش دانشگاه‌های غیر دولتی به معنی تمام شدن و یا حل شدن مسائل آموزش عالی نبوده و شاید از این طریق ورود به دانشگاه را برای دانشجویان سهل‌تر می‌کند اما هنوز کیفیت این دانشگاه‌ها از دانشگاه‌های دولتی در سطح کشور پایین‌تر است و نتوانسته اعتماد مردم را برای ورود به دانشگاه خصوصی در اولویت قرار دهد. سیاست‌های توسعه آموزش عالی در برنامه‌های مربوط به توسعه، دولت را مکلف به حمایت از بخش غیر دولتی در نظام آموزش عالی کرد؛ به شکلی که بانک‌های دولتی، موظف به پرداخت وام‌های کم‌بهره به داوطلبان ایجاد مراکز آموزشی غیردولتی شده‌اند. این مسئله از سال‌های ۱۳۸۰ به بعد نقش اساسی در رشد دانشگاه‌های غیردولتی داشت. در قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) به دانشگاه‌ها اجازه داده شده که برای گسترش ارتباطات علمی با مراکز و نهادهای آموزشی و تحقیقاتی معتبر بین‌المللی، با راه‌اندازی دانشگاه‌های مشترک، برگزاری دوره‌های آموزشی مشترک، اجرای مشترک طرح‌های پژوهشی، تبادل استاد و دانشجو و همچنین استقلال مالی بدون الزام به رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دانشگاه‌های دولتی فعالیت کنند. برای توسعه و تکمیل دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری با دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی خارجی که با ایران روابط دوستانه دارند، تفاهم‌نامه همکاری متقابل امضا می‌شود تا از این نظر اهداف مورد نظر آموزش عالی تحقق پیدا کند (باقری و کریم‌اف، ۱۳۹۲). در این راستا مهم‌ترین روندی که آموزش عالی به‌منظور توسعه در جهت گسترش آموزش عالی انجام داد افزایش مؤسسات آموزش عالی در شکل غیردولتی بود که افزایش خصوصی‌سازی آموزش عالی را در پی داشت. یکی از مؤسسات و به تعبیری، دانشگاه دولتی که با رویکرد خصوصی راه‌اندازی شد، پردیس‌های دانشگاهی بود که در کنار دانشگاه‌های دولتی مشغول به فعالیت شدند و به پذیرش دانشجو در رشته‌ها و گرایش‌های مختلف اقدام کردند.

اکنون، با توجه به افزایش تقاضای اجتماعی برای ورود به آموزش عالی و روند افزایش دانشگاه‌های غیر دولتی از جمله پردیس‌های دانشگاهی، مسائلی مطرح می‌شود که هر کدام در جایگاه خود اهمیت بسزایی دارد. از جمله این مباحث، راه‌اندازی رشته‌های تحصیلی، چگونگی پذیرش دانشجو و روند خصوصی‌سازی دانشگاه‌هاست که هر یک در ادامه بررسی خواهد شد.

راه‌اندازی رشته‌های تحصیلی: هیچ‌گونه نیازسنجی درست و به‌موقعی در دانشگاه‌ها برای راه‌اندازی رشته‌های دانشگاهی انجام نگرفته است. اگرچه وجود دانشگاه‌های غیردولتی در جهت بهبود و کمک به دانشگاه‌های دولتی می‌تواند گامی مؤثر باشد اما باید توجه کرد که بسیاری از این دانشگاه‌ها رشته‌هایی را در دانشگاه‌های خود راه‌اندازی می‌کنند که پشتوانه راه‌اندازی آنها نیاز جامعه و نظر متخصصان در زمینه مورد نظر نیست و بعضاً رشته‌هایی است که تنها سود و منفعت اقتصادی برای آنها به همراه داشته است. تقاضای اجتماعی برای برخی از رشته‌ها به تحمیل آن به عنوان رشته‌ای منجر شده است که تعمداً نیاز می‌شود، در صورتی که جامعه به چنین رشته‌ای نیاز ندارد. همچنین به این مسئله هم باید اشاره کرد که سرمایه‌گذاری آموزش عالی، چندان مورد استقبال بخش خصوصی قرار نمی‌گیرد و علت آن وجود دو ویژگی عمده در فعالیت‌های مربوط به ارائه خدمات آموزش عالی است: این دو ویژگی عبارت‌اند از: ۱- سرمایه‌بر بودن آموزش بعضی از رشته‌ها، مانند رشته‌های گروه پزشکی و برخی از رشته‌های مهندسی و تأمین سرمایه مورد نیاز این رشته‌ها از توان بسیاری از عاملان خصوصی خارج است؛ ۲- پایین بودن سطح تقاضا برای رشته‌های علوم پایه و برخی رشته‌های علوم انسانی که به دلیل پایین بودن بازدهی خصوصی این رشته‌ها نسبت به سایر رشته‌ها که حداقل در سطح کارشناسی سبب می‌شود بخش خصوصی نتواند علاوه بر حفظ پوشش وسیع، قیمت مناسب و سودآوری را حفظ کند (اردشیری، ۱۳۸۶). از این‌روست که راه‌اندازی رشته‌های تحصیلی بدون پشتوانه نیاز اجتماعی و اقتصادی نمی‌تواند چاره‌ساز باشد و نه تنها مشکلی را حل نخواهد بلکه به مشکلات موجود خواهد افزود.

چگونگی پذیرش دانشجو: در باره شیوه پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها، دو مسئله مطرح می‌شود؛ اول- بهترین شیوه پذیرش دانشجو برای ورود به دانشگاه چه می‌تواند باشد؟ دوم- با ورود دانشجو به دانشگاه بهترین نوع پذیرش دانشجو (آموزشی، پژوهشی و آموزشی - پژوهشی) چه روشی است؟

یکی از مرسوم‌ترین شیوه‌های پذیرش دانشجو، کنکور است. کنکور که شامل مجموعه پرسش‌های چهارگزینه‌ای مرتبط با درس‌های تخصصی هر رشته است، عاملی برای تفکیک افراد از نظر سطح دانش است. با وجود اینکه پرسش‌های چندگزینه‌ای، طبق طبقه‌بندی بلوم به‌عنوان پایین‌ترین سطح دانش است و نمی‌تواند مسائل سطح بالا و انتزاعی‌تر را بسنجد، باز هم استفاده از این شیوه، رایج است. اگرچه از آزمون‌ها و پرسش‌های چهارگزینه‌ای برای تفکیک و گزینش دانشجویان استفاده می‌شود اما نمی‌تواند عامل اصلی و مؤثر برای شیوه پذیرش دانشجو در سطوح بالاتر تحصیلی باشد. با این حال، این روش در ایران، تنها شیوه رسمی پذیرش دانشجو است. در مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه‌ها معمولاً از همین شیوه برای پذیرش دانشجو استفاده می‌کنند. پذیرش در مقطع دکتری در سال‌های اخیر، راه‌های پرفراز و نشیبی را طی کرده و به دو مرحله تقسیم شده است. مرحله اول، آزمونی است که برای همگان اجرا می‌شود و در مرحله دوم، پذیرفته‌شدگان در صورت داشتن امتیاز لازم در مصاحبه شرکت می‌کنند.

نوع پذیرش دانشجو (ساختار اجرایی دوره): دانشجویان در مقطع تحصیلات تکمیلی با چند شیوه مختلف، پذیرش می‌شوند. این شیوه‌ها شامل شیوه‌های آموزشی-پژوهشی، آموزش‌محور و پژوهش‌محور است. محتوای برنامه شیوه آموزشی و پژوهشی، شامل واحدهای درسی و پایان‌نامه است. این شیوه در ایران تا سال ۱۳۸۹ تنها شیوه آموزشی در مقطع کارشناسی ارشد بوده و پذیرش دانشجو در همه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور فقط به این روش صورت می‌گرفت. تحصیل در این شیوه با محوریت آموزش و به صورت واحدهای درسی و بدون پایان‌نامه بوده و گذراندن حداقل ۲ و حداکثر ۴ واحد سمینار (تحقیق و تتبع نظری) الزامی است. شیوه پژوهش‌محور، دوره‌ای با محوریت پژوهش است که دستاورد آن ارائه فناوری جدید، ارائه نظریه و ایده جدید، تولید دانش فنی، ثبت اختراع و غیره بوده و مشتمل بر اخذ واحدهای درسی محدود و الزام به ارائه پایان‌نامه است (سازمان سنجش آموزش کشور، ۱۳۹۶).

خصوصی‌سازی^۱: واژه خصوصی‌سازی در سال ۱۹۸۳ برای اولین بار در فرهنگ لغات دانشگاهی وبستر به این صورت تعریف شده است: خصوصی‌سازی عبارت

1. Privatization

است از تغییر کنترل یا مالکیت از سیستم دولتی به سیستم خصوصی (میرزاده و کمالی، ۱۳۸۸ و بلفید و لوین^۱، ۲۰۰۲). البته این تعریف، سطحی‌ترین معنا برای خصوصی‌سازی محسوب می‌شود؛ چراکه خصوصی‌سازی برای آموزش عالی شامل تمام فعالیت‌هایی است که در دانشگاه رخ می‌دهد. خصوصی‌سازی شامل تمرکز بیشتر بر تصمیم‌گیری، کاهش پذیرش هنجارهای تحصیلی، نداشتن اختیارات در دانشکده و گسترش منابع مالی خصوصی است (انجمن ملی آموزش^۲، ۲۰۰۲).

خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی، نوعی از اصلاحات عمده اقتصادی است که در سراسر جهان بیش از ۳۰ سال است در سطوح مختلف مالکیت اعم از خصوصی‌سازی جزئی تا کلی صورت گرفته است (چانگ و بونتم^۳، ۲۰۱۷). طی دهه گذشته، نسبت ثبت‌نام کنندگان گروه‌های کم‌درآمد به‌طور مرتب در مؤسسات چهارساله دولتی رو به کاهش بوده است. چنین جنبه‌ای از افزایش قشریندی دانشجویان به نفع افراد با درآمد بالاتر، استلزامات دموکراسی را به چالش می‌کشد. همچنین، خصوصی‌سازی آموزش عالی دولتی، ریسک تضاد اهداف حامیان مالی تحقیق دانشگاهی با اهداف دانشگاه را افزایش می‌دهد. در این وضعیت، دانشگاه‌ها نگران حمایت از آزادی آکادمیک پژوهشگران و سهام کردن دیگر اعضای جامعه علمی در نتایج پژوهش هستند. نگرانی دیگر مربوط به برنامه‌ریزی درسی و تعیین محتوای درس‌هاست که ممکن است با فشار و نیازهای کوتاه‌مدت بازار و مشتریان تغییر کند. هم‌اکنون، دانشگاه‌های دولتی، عرضه‌کننده فارغ‌التحصیلان در رشته‌های معلمی، پرستاری، فیزیوتراپی و سایر مشاغل اجتماعی مفید هستند که ممکن است بازار، پاداش اندکی به خدمات آنان بدهد و تقاضای بازار برای چنین مهارت‌هایی کم است. همچنین مشخص نیست که در صورت خصوصی شدن دانشگاه‌های دولتی آنها بخواهند یا بتوانند باز هم در این رشته‌ها دانشجو تربیت کنند؛ چراکه ممکن است تربیت دانشجو در سایر رشته‌ها برای دانشگاه‌ها سود بیشتری داشته باشد. خصوصی‌سازی همچنین ممکن است گرایش دانشگاه‌های دولتی به گسترش مرزهای دانش در زمینه فعالیت‌های عام‌المنفعه را ضعیف کند (روشن، ۱۳۸۸).

1. Belfield & Levin

2. National Education Association (NEA)

3. Chang & Bootham

با افزایش دانشگاه‌های غیر دولتی و حرکت به سمت خصوصی‌سازی در آموزش عالی طبیعتاً ایجاد تغییراتی در شیوه و نوع پذیرش دانشجو ضرورت دارد. پیشی گرفتن دانشگاه‌های غیر دولتی و استقبال مردم از داشتن تحصیلات عالی موجب می‌شود که دیگر پذیرش دانشجو به همان روند سال‌های قبل، درست نباشد و نیاز به تغییرات اساسی در این زمینه متناسب با دانشگاه و ظرفیت آن انجام گیرد. وجود پردیس‌ها در کنار دانشگاه‌های دولتی، راه را برای کسانی که نتوانسته‌اند به هر دلیلی وارد دانشگاه دولتی شوند هموار کرده است اما دلیلی بر این امر نیست که کمیت فدای کیفیت شود و نظام پذیرش دانشجو هیچ تغییری نداشته باشد. اهمیت این موضوع از آن روست که کشور با افزایش رشته‌هایی روبروست که شاید اصلاً نیازی به وجود آنها نیست و متقابلاً نیازمند افرادی توانمند در رشته‌هایی است که تعداد معدودی در آنها وارد می‌شوند. با توجه به این عوامل، بررسی دیدگاه اعضای هیئت علمی و مدیران گروه‌ها در مورد راه‌اندازی رشته‌های علوم انسانی در پردیس دانشگاه از ضروریات این مقاله به‌شمار می‌آید.

چند سالی است که موضوع رشته‌های دانشگاهی، شیوه و نوع پذیرش دانشجو در کشور مطرح شده و بعضاً تحقیقاتی در این زمینه صورت گرفته است. البته به‌جز مطالب پراکنده‌ای که در برخی مقاله‌ها به آن اشاره شده، پژوهش‌های خاصی در این زمینه اجرا نشده است. مسئله دیگری که در ضمن این موضوع مطرح می‌شود و به‌عنوان یک عامل بنیادی، عوامل دیگر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، مسئله خصوصی‌سازی آموزش عالی است. خصوصی‌سازی روندی است که در این سال‌ها به امر مهمی در حوزه مطالعاتی آموزش عالی تبدیل شده است. ذیلاً به برخی از تحقیقات مرتبط با راه‌اندازی رشته‌های دانشگاهی و چگونگی پذیرش اشاره می‌شود و پس از آن، پژوهش‌های مرتبط با خصوصی‌سازی آموزش عالی مطرح خواهد شد.

تسنیمی و سجادی (۱۳۸۰) در مقاله خود با عنوان «نقدی بر مبانی خصوصی‌سازی مراکز آموزش عالی» در پی اثبات این نکته بوده‌اند که خصوصی‌سازی به معنای عام کلمه لزوماً به آنچه ظاهراً برای این مراکز صادق می‌دانند (بهبود کیفیت و ...) منجر نخواهد شد، بلکه پیامدهای دیگری نیز در بردارد که بی‌توجهی به آنها بحران آموزش عالی کشور را در پی خواهد داشت؛ به‌ویژه در جوامع مذهبی که تنها جنبه‌های علمی آموزش عالی را مدنظر ندارند بلکه به جنبه‌های ایدئولوژیک، عدالت اجتماعی، برابری آموزشی، طبقاتی نشدن آموزش عالی، توسعه همه‌جانبه نیز توجه خاص دارند. با

توجه به آنچه با عنوان «راهبردهای مقابله با بحران آموزش عالی» مطرح شده است، دولت می‌باید پیش از اقدام به گسترش و توسعه مراکز آموزش عالی متعدد (خصوصی و...) و ایجاد هرگونه اصلاحات در ساختار آموزش عالی به روش‌هایی بیندیشد که از یک سو موجبات تأمین هزینه‌های آموزش عالی را فراهم کند و از سوی دیگر به آثار و پیامدهای منفی تأسیس این‌گونه مراکز دامن نزند و این همان موضوعی است که پژوهش در مقاله حاضر به دنبال طرح آن بوده است.

قارون (۱۳۸۱) در تحقیق خود با عنوان «برآورد تقاضای اجتماعی آموزش عالی در ایران در دوره ۸۸-۱۳۸۰» به این نتیجه رسیده است که روند افزایش تقاضای اجتماعی زنان تا سال ۱۳۸۷ ادامه داشته ولی تقاضای اجتماعی مردان حداکثر تا سال ۱۳۸۳ افزایش و پس از آن کاهش خواهد یافت. نتایج تحلیل الگوی تأثیرگذاری متغیرهای اقتصادی اجتماعی بر تقاضای اجتماعی زنان و مردان برای آموزش عالی حکایت از آن دارد که متغیرهای مربوط به بازار کار دارای بیشترین تأثیر هستند. ضمن اینکه متقاضیان آموزش عالی، چشم‌انداز آتی اقتصادی را بیشتر در جهت تحدید فرصت‌های شغلی پیش‌بینی می‌کنند و همین عامل موجب می‌شود که تقاضای مردان برای آموزش عالی کاهش یابد. توزیع تقاضای اجتماعی در گروه‌های آزمایشی در سال‌های آینده به نفع گروه علوم ریاضی و فنی تغییر خواهد کرد و اگرچه تقاضای زنان برای گروه علوم انسانی افزایش خواهد یافت، سهم گروه علوم انسانی در تقاضای اجتماعی مردان و سهم گروه علوم تجربی در هر دو روند نزولی خواهد داشت. تقاضا برای دوره‌های شبانه و نیمه‌حضوری تا سقف ۶۷ درصد تقاضای اجتماعی زنان و ۶۰ درصد تقاضای اجتماعی حداکثر تا ۵۱ درصد تقاضای اجتماعی زنان و ۳۹ درصد تقاضای اجتماعی مردان افزایش خواهند یافت.

انگجی و خادمی (۱۳۸۳) در تحقیق خود با «عنوان بررسی و مقایسه تطبیقی نظام‌گزینش ایران و کره جنوبی» به این نتیجه رسیده است که کره جنوبی در طول ۳۰ سال دست کم، ده مرتبه روش‌های گزینش دانشجوی در این کشور دگرگون شده و می‌توان گفت که از سال ۲۰۰۲ کمابیش بر پایه ساز و کار کشورهای غربی عمل می‌شود که مورد پذیرش کره است. گزینش دانشجوی با رعایت اصول عمومی متمرکز در برگزاری آزمون سراسری، همراه با استقلال و آزادی عمل واحدهای دانشگاهی انجام می‌گیرد. سوابق دانش‌آموزی و امتیازات دوران تحصیل دبیرستانی، ملاک‌هایی است که واحدهای دانشگاهی کره جنوبی می‌توانند در گزینش دانشجوی مورد توجه قرار دهند.

کره جنوبی، سرمایه‌گذاری‌های کلانی در بخش آموزش عالی داشته و بخش خصوصی در این زمینه بسیار فعال است و سهمی بیش از هشتاد درصد در اداره آموزش عالی دارد؛ هرچند سیاست‌های پایه‌ای برای گزینش از سوی دولت، ارائه و به کار گرفته می‌شود.

میرزاده و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیق خود با عنوان «روند خصوصی‌سازی در جهان» به این نتیجه رسیدند که تجویز برنامه‌های خصوصی‌سازی به‌ویژه برای کشورهای درحال توسعه، تنها راه درمان اقتصاد بیمار دولتی این کشورهاست. سیاست‌های خصوصی‌سازی اگر به درستی و با برنامه‌ریزی کامل و درست اجرا شود، به بهبود کارایی شرکت‌های دولتی، افزایش مالکیت عمومی، توسعه بازار سرمایه، توزیع عادلانه‌تر ثروت، افزایش درآمد و کوچک‌سازی دولت منجر می‌شود.

روشن (۱۳۸۹) در تحقیق خود با عنوان «بهینه‌یابی ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های دولتی ایران» به این نتیجه رسید که اکثریت قریب به اتفاق دانشگاه‌های کشور بیش از ظرفیت بهینه به پذیرش و آموزش دانشجو اقدام کرده‌اند؛ به‌طوری که نسبت تعداد دانشجوی موجود به مطلوب در سطح وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معادل ۲/۷ به دست آمد. پیشنهاد نهایی در این پژوهش، اولویت دادن به بخش آموزش عالی و افزایش حمایت‌های مالی و قانونی از آن به جای کاهش پذیرش و نیز توجه عملی بیشتر به این بخش از جانب برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و مسئولان کشور بوده است.

باقری‌خواه و همکاران (۱۳۹۰) تحقیقی با عنوان «وضعیت پذیرش دانشجو در آموزش عالی ایران از دیدگاه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، اعضای هیئت علمی سازمان سنجش و مسئولان ذی‌ربط آموزش عالی» اجرا کردند. یافته‌های تحقیق نشان داد بیشتر دانشجویان با شیوه برگزاری آزمون (متمرکز، فراگیر) موافق هستند. اعضای هیئت علمی و مسئولان نیز با شیوه آزمون متمرکز، موافق و با شیوه آزمون فراگیر مخالف هستند. همچنین تفاوتی بین دیدگاه دانشجویان، اعضای هیئت علمی و مسئولان به شیوه آزمون متمرکز، شیوه آزمون فراگیر و معدل کتبی، نمره علمی و با مسئولان به شیوه آزمون متمرکز، آزمون فراگیر و معدل کتبی، نمره علمی سهمیه‌ها و پذیرش جنسیت دیده نشد.

صالحی عمران و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیق خود با نام «بررسی عوامل و انگیزه‌های پیدایش و گسترش دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی

در ایران» نشان داد که مهم‌ترین عوامل و انگیزه‌های گسترش آموزش عالی غیر انتفاعی یا خصوصی در ایران عبارت‌اند از: فشارهای اجتماعی، نیازهای حرفه‌ای و اقتصادی جامعه، نابرابری بین عرضه و تقاضای آموزش عالی، تقاضامحور شدن آموزش عالی، گوناگونی تقاضا، عقلانی شدن تقاضا و غیره.

یافته‌های تحقیق ربیعی و نظریان (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «عوامل مؤثر در سیاست‌گذاری آموزش عالی با رویکرد اصل ۴۴» نشان داد که آثاری چون افزایش فشار اقتصادی به طبقات پایین‌تر جامعه و طبقاتی شدن آموزش به نفع طبقات بالای جامعه، افزایش استقلال دانشگاه‌ها و ایجاد انعطاف بیشتر در مدیریت دانشگاه‌ها و ارتقای وضعیت علمی در نظام آموزش عالی بنا بر نظرات کارشناسان دارای اهمیت بیشتری است.

سوخته‌زار (۱۳۹۰) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی پیامدهای احتمالی شیوه برگزاری و نوع سؤالات آزمون نیمه‌متمرکز دکتری از دیدگاه استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان» به این نتیجه رسید که استادان در خصوص شیوه برگزاری آزمون به ترتیب، غیرمتمرکز و نیمه‌متمرکز را انتخاب کرده بودند اما دیدگاه دانشجویان قبل و بعد از اجرای آزمون در خصوص شیوه برگزاری آزمون تغییر نکرد و به ترتیب نیمه‌متمرکز و غیرمتمرکز را انتخاب کرده بودند. استادان در خصوص نوع پرسش‌ها به ترتیب، تشریحی - تحلیلی، تشریحی کوتاه‌پاسخ و چهارگزینه‌ای را انتخاب کرده بودند. اما دیدگاه دانشجویان، قبل و بعد از اجرای آزمون تغییر کرد؛ پیش از اجرای آزمون به ترتیب، تشریحی - تحلیلی، چهارگزینه‌ای و تشریحی کوتاه‌پاسخ و پس از اجرای آزمون به ترتیب، چهارگزینه‌ای، تشریحی - تحلیلی و تشریحی کوتاه پاسخ را انتخاب کرده بودند.

ویکس^۱ (۲۰۰۶) تحقیقی با عنوان «خصوصی‌سازی دانشگاه‌های دولتی: تحلیل خطرپذیری / منفعت» انجام داد. وی به این منظور، چک‌لیستی از سود و منفعت در مورد خصوصی‌سازی، تهیه کرد و در اختیار ۱۸ نفر شرکت‌کننده قرار داد. هدف اصلی از اجرای این پژوهش، پاسخ به این پرسش بود که آیا عملکرد دانشگاه پژوهشی، بزرگ‌ترین خطر برای خصوصی‌سازی است؟ و اگر به خصوصی‌سازی اقدام شود، نتیجه روشنی برای دانشگاه و جامعه وجود دارد؟ در آخر به این نتیجه رسیده است که

^۱. Weeks

خصوصی‌سازی هم دارای خطرپذیری و هم سود است. بنابراین هر نوع تغییری به‌منظور خصوصی‌سازی در دانشگاه‌ها باید با احتیاط صورت پذیرد تا نسبت به قبل از بهره‌وری بیشتری برخوردار شود.

هد^۱ (۲۰۰۶) در مقاله خود با عنوان «دانشگاه‌های دولتی و خصوصی» بیان کرده است که دولت مرکزی از دانشگاه‌های پژوهشی حمایت می‌کند؛ به همین دلیل دانشگاه‌های دولتی مکانی بی‌همتا برای تحقیق و توسعه، منابع بودجه و مدیریت ساختاری تحت اختیار دولت است. در این مقاله، الگوی توزیع جغرافیایی دانشگاه‌ها در طول سال‌های ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۰ میلادی ارائه شده است. هدف اصلی، پاسخ به این پرسش بود که آیا دانشگاه‌های دولتی، بیشتر به بومی‌سازی منطقه‌ای منجر می‌شوند یا دانشگاه‌های خصوصی؟ نویسنده شواهد اندکی در خصوص حمایت از این فرضیه پیدا کرده است اما ارتباط مثبتی بین کیفیت تحقیقات آکادمیک و بومی‌سازی نتایج به دست آمده است. در این خصوص دانشگاه‌های دولتی باید بر کیفیت تحقیقات خود تأکید بیشتری داشته باشند.

هولزهاکر و همکاران^۲ (۲۰۰۹) «خصوصی‌سازی در آموزش عالی: روند تحلیلی بین کشورها، مسائل، مشکلات و راه‌حل‌ها» را بررسی کردند. در این پژوهش، فرضیه خصوصی‌سازی در چهار کشور برزیل، هلند، اکراین و مغولستان بررسی شده است. برخی کشورها همچون برزیل و اکراین دارای آیین‌نامه خصوصی‌سازی هستند. برخی دیگر چون هلند اجازه می‌دهند که مؤسسات آموزش عالی و آژانس‌های مستقل فعالیت‌هایشان را تنظیم و برقرار کنند. در حالی که کشورهایی چون مغولستان خصوصی‌سازی را تنها برای بازار و خرید و فروش استفاده می‌کنند. شایع‌ترین نوع خصوصی‌سازی در کشورهای توسعه‌یافته، خصوصی‌سازی مؤسسات آموزش عالی با تمرکز بر مؤسسات مستقل و ساز و کار بازگشت هزینه از طریق اجاره‌ها، شهریه‌ها و پرداخت‌های فراگیران است. از میان کشورهای توسعه‌یافته، هلند به‌خوبی توانسته در این زمینه ایفای نقش کند. فرایند خصوصی‌سازی در کشورها به شکل‌های گوناگون صورت می‌گیرد؛ در برخی به صورت محافظه‌کارانه (برزیل) و در برخی به صورت آزادی‌خواه (اکراین). اگرچه شواهد نشان می‌دهد که خصوصی‌سازی تقریباً در همه

1. Hedge

2. Holzhuher et al

کشورها وجود دارد اما شناخت بخش خصوصی سازی آموزش عالی در جهان از اهمیت بسزایی برخوردار است.

لوین^۱ (۲۰۱۰) در تحقیق خود با عنوان «خصوصی سازی در آموزش عالی» به این نتیجه رسیده است که شش عامل به افزایش خصوصی سازی در آموزش عالی منجر می شود؛ اطلاعات مبتنی بر اقتصاد، تغییر در ویژگی های جمعیتی، همگرایی دانش مبتنی با ساختار، کاهش اعتماد مردم به بخش های دولتی، افزایش آگاهی مردم و ظهور فناوری های جدید.

ایسلام و سلما^۲ (۲۰۱۶) در پژوهش خود با عنوان «خصوصی سازی در آموزش عالی بنگلادش» به این نتیجه رسیده اند که نقش خصوصی سازی در ارتباط با بازسازی بخش آموزشی و ساختار جوامع، بسیار تأثیرگذار است.

بوبکری، کاست و سافر^۳ (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان «محدودیت در خصوصی سازی کامل: مدارکی در سطح بین الملل» به این نتیجه رسیده اند که برون داد مؤسساتی که به طور کامل خصوصی سازی شده اند از منظر شهرت، ریسک پذیری، کارآمدی، بهره وری و سودآوری، نتایج معنی داری داشته اند.

پژوهش های صورت گرفته در خصوص رشته های دانشگاهی، شیوه و نوع پذیرش هر کدام، جداگانه بررسی شده اند و سمت و سوی خصوصی سازی به خود داشته اند. در پژوهش حاضر، تلاش می شود تا هر کدام از مؤلفه ها و روند رو به رشد آموزش عالی به سمت خصوصی سازی بررسی و متذکر شود که هر کدام به عنوان یک عامل مهم و حیاتی در جامعه به شمار می آیند و نیاز است که با توجه به نیاز جامعه و دانشگاه هر کدام از مؤلفه ها تعیین شوند.

پرسش های پژوهش

۱. دیدگاه اعضای هیئت علمی و مدیران گروه ها در مورد راه اندازی پردیس دانشگاه چیست؟
۲. دیدگاه اعضای هیئت علمی و مدیران گروه ها در مورد راه اندازی رشته های علوم انسانی در پردیس دانشگاه چیست؟

1. Levin

2. Slam & Salma

3. Boubakri, Cosset & Saffer

۳. مناسب‌ترین شیوه و نوع پذیرش دانشجو از دید اعضای هیئت علمی و مدیران گروه‌های علوم انسانی در پردیس دانشگاه کدام است؟

روش

این پژوهش به صورت یک مطالعه کیفی، طراحی و اجرا شد. گال معتقد است که در اجرای تحقیق کیفی، پیروی از یک نوع خاص ضروری نیست و می‌توان صرفاً با پیروی از روشمندی تحقیقات کیفی، پژوهش مورد نظر را به انجام رسانید (نصر اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۰). جامعه این پژوهش، مدیران گروه‌ها و اعضای هیئت علمی دانشگاه اصفهان بودند که در شش ماه دوم سال ۱۳۹۳ با آنان مصاحبه شد. مدیران گروه‌ها به دلیل داشتن اشراف کامل درباره رشته‌ها و گرایش‌های دانشگاهی و تعامل هرچه بیشتر با استادان گروه خود و اعضای هیئت علمی فعال در حوزه تحصیلات تکمیلی و به‌عنوان یکی از تصمیم‌گیرندگان در حوزه تحصیلات تکمیلی، انتخاب شدند.

نمونه‌گیری مطالعه به صورت گلوله برفی صورت گرفت؛ به‌طوری که هریک از مدیران گروه‌ها، پژوهشگر را به اعضای هیئت علمی ارجاع می‌داد که بیشترین اطلاعات را در زمینه مورد نظر داشت. اعضای هیئت علمی با شرط عضویت فعال در تحصیلات تکمیلی دانشگاه انتخاب شدند. بر این اساس، دعوت‌نامه‌ای از دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی مبنی بر شرکت در مصاحبه برای مدیران گروه‌ها و اعضای هیئت علمی فرستاده شد. کار نمونه‌گیری از مدیران گروه‌ها و اعضای هیئت علمی تا زمان اشباع داده‌ها ادامه پیدا کرد که با ۲۰ مصاحبه اشباع داده‌ها حاصل شد. در مجموع، با ۱۰ مدیر گروه و ۱۰ عضو هیئت علمی، مصاحبه به عمل آمد.

روش گردآوری اطلاعات، مصاحبه نیمه‌ساختار یافته^۱ بود. فرم مصاحبه‌ای در اختیار مدیران گروه‌ها و اعضای هیئت علمی قرار داده شد تا ضمن اعلام رضایت خود برای مصاحبه، زمان و مکان مصاحبه را تعیین کنند. زمان هر مصاحبه بین ۲۰ تا ۳۰ دقیقه بود و پرسش‌ها به صورت بازپاسخ و بر اساس راهنمای مصاحبه بود. مصاحبه‌ها با رضایت افراد به‌طور کامل، ضبط و از نکات کلیدی و مهم آنها یادداشت‌برداری شد.

1. Semi-structured interview

تحلیل داده‌ها به روش تحلیل محتوا از نوع کیفی یا تحلیل محتوای موضوعی^۱ انجام گرفت. متن مصاحبه‌ها به‌طور کامل ضبط شد و پس از آن، پیاده و تایپ شد تا استفاده از آن و کدگذاری داده‌ها راحت‌تر صورت گیرد. پژوهشگر، پیش از خواندن متن مصاحبه‌ها، چندین بار متن مصاحبه را گوش می‌داد تا با متن کاملاً آشنا شده و بتواند معانی اصلی را استخراج کند. شروع عملیات تحلیل، پس از اولین مصاحبه، آغاز شد. پژوهشگر، پس از دو مصاحبه کار کدگذاری و دسته‌بندی را شروع کرد. این کار به محقق کمک کرد تا در صورت لزوم بتواند پرسش‌های مورد نیاز دیگر را طراحی و مسیر مطالعه را بهتر هدایت کند. به این ترتیب مراحل زیر در تحلیل داده‌ها به‌دقت دنبال شد: مصاحبه‌ها یک به یک و کلمه به کلمه روی کاغذ پیاده شد. سپس سطر به سطر، بررسی و جمله‌های معنی‌دار که با موضوع اصلی پژوهش مرتبط بودند، علامت‌گذاری شد. مفهوم اصلی جمله‌های معنی‌دار به صورت کد استخراج شده و دسته‌بندی کدها آغاز شد. به این ترتیب که کدهای با مفهوم مشترک در یک طبقه قرار داده شده و نام‌گذاری می‌شد. با هر مصاحبه جدید ممکن بود طبقه‌های قبلی، بازنگری و حتی ادغام و یا طبقه جدیدی ایجاد شود. سپس با نظارت یک ناظر باتجربه در تحلیل داده‌های کیفی، کار طبقه‌بندی و نام‌گذاری طبقه‌ها بازنگری شد. به این ترتیب با تشکیل طبقه‌بندی، تم‌های اصلی مطالعه استخراج و ارتباط بین طبقه‌ها مشخص شد. برای تأیید دقت^۲ و صحت داده‌ها^۳ در مورد اعتبار^۴ مطالعه از شیوه پرسش از همکار و چک اعضا استفاده شد. به این ترتیب که نتایج تحلیل و طبقه‌بندی‌ها به تأیید دو نفر از استادان و همچنین یک محقق باتجربه در تحقیق کیفی رسید. برای چک اعضا نیز نتایج تحلیل و کدبندی‌های حاصل از مصاحبه‌شونده‌ها در اختیار چهار نفر از مصاحبه‌شونده‌ها قرار گرفت و از سوی آنها تأیید شد. در مورد انتقال‌پذیری سعی شد که تمام جزئیات تحقیق از نمونه‌گیری تا فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها به‌طور کامل شرح داده شود تا در مورد انتقال‌پذیری، نقطه ابهامی باقی نماند. در مورد قابلیت اطمینان^۵ در این مطالعه از یک ناظر خارجی باتجربه در تحقیق کیفی استفاده شد که

1. thematic content analysis
2. Rigor
3. Trustworthiness
4. credibility
5. Dependability

فرایند گردآوری داده‌ها و فرایند تحلیل را بررسی و تأیید کند و در نتیجه قابلیت اطمینان مطالعه حاصل شد. استفاده از ناظر خارجی که به مواردی از قبیل نوارهای مصاحبه، متون پیاده شده، یادداشت‌ها، داده‌های تحلیل شده، یافته‌های مطالعه، معانی استخراج شده، کدها، تم‌ها و طبقه‌بندی‌ها، جزئیات فرایند اجرای مطالعه، قصد اولیه مطالعه و پرسشنامه اولیه پرسش‌های مصاحبه و در کل تمامی جزئیات مطالعه دسترسی داشته باشد، علاوه بر قابلیت اطمینان سبب تأییدپذیری مطالعه نیز می‌شود که در پژوهش حاضر به آن توجه شده است.

یافته‌های پژوهش

مصاحبه‌شوندگان این پژوهش، مدیران گروه‌ها و اعضای هیئت علمی فعال در تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان بودند. مدیران گروه‌ها همگی از مدیران گروه‌های علوم انسانی بودند و اعضای هیئت علمی هم در رشته‌های علوم انسانی مشغول به فعالیت بودند. از میان مدیران گروه‌ها ۵ نفر استادیار و ۵ نفر دانشیار بودند. اعضای هیئت علمی، طیف متفاوتی داشتند. ۲ نفر استاد تمام، ۴ نفر دانشیار و ۴ نفر استادیار بودند. در تحلیل مصاحبه‌ها بعد از حذف کدهای تکراری و ادغام موارد مشابه کدها در سه طبقه زیر قرار داده شدند.

پرسش اول پژوهش: دیدگاه اعضای هیئت علمی و مدیران گروه‌ها نسبت به راه‌اندازی پردیس دانشگاه چیست؟

نتایج تحلیل در خصوص پرسش اول به تفکیک دیدگاه افراد موافق و مخالف منجر شد. به طوری که حدود ۶۰ درصد از افراد با راه‌اندازی پردیس‌های دانشگاهی و گسترش آن موافق بودند. البته عده‌ای دیگر (۴۰ درصد) این جریان را بیهوده تلقی کردند. به همین دلیل دیدگاه مدیران و اعضای هیئت علمی در این بخش به دو گروه موافق و مخالف تقسیم شد.

۱-۱- دیدگاه موافق با راه‌اندازی پردیس دانشگاه: هریک از مدیران و اعضای

هیئت علمی دلایلی را مطرح کردند که موافقتشان با راه‌اندازی پردیس دانشگاه را توجیه می‌کرد. در این قسمت به عواملی چون: «درآمدزایی»، «جلوگیری از خروج دانشجویان» و «تأمین هزینه‌های تحصیلات تکمیلی» اشاره شد. درآمدزایی را به‌عنوان یک عامل کلیدی مطرح کردند (شماره‌های ۲، ۳، ۴، ۸). با وجود مشکلات اقتصادی

که کشورها و از جمله ایران با آن روبروست، استفاده از پردیس‌ها می‌تواند بسیار مفید باشد (شماره ۳) و از نظر درآمدزایی به دولت کمک کند (شماره ۴). افراد مصاحبه‌شونده از مهم‌ترین دلایل تأسیس پردیس‌های دانشگاهی را «جلوگیری از خروج دانشجویان از کشور» مطرح کردند. دانشجویان به‌جای اینکه هزینه تحصیل خود را در خارج از کشور صرف کنند، با پرداخت هزینه‌ای مشابه در داخل کشور بمانند و ادامه تحصیل بدهند. البته مدیران و اعضای هیئت علمی به این نکته اشاره کردند که هنوز پردیس‌ها در بدو تأسیس خود هستند و در مرحله آزمایش و خطا قرار دارند و نمی‌توان به‌طور قاطع بیان کرد که آیا توانسته‌اند به هدف خود برسند یا خیر؟ (۳، ۴، ۵).

از دیگر دلایلی که افراد مصاحبه‌شونده به آن اشاره کردند، هزینه‌های زیادی است که برای مقطع تحصیلات تکمیلی و به‌خصوص دکتری صرف می‌شود. از زمان ورود یک دانشجوی دکتری تا خروج وی، دانشگاه هزینه‌های زیادی را متحمل می‌شود. چه‌بهرتر دانشجویانی که از بضاعت مالی خوبی برخوردارند، هزینه‌های تحصیلی خودشان را عهده‌دار شوند. تا از این طریق دانشگاه، هزینه‌های خود را صرف مخارجی کند که به آن نیازمند است (شماره ۴).

۱-۲- دیدگاه مخالف نسبت به راه‌اندازی پردیس دانشگاه: نتایج تحلیل افراد مصاحبه‌شونده نشان داد که دلایل آنها برای مخالفت با راه‌اندازی پردیس، مضمون کلی «لطمه بزرگ به علم و دانشگاه» را در برداشت. وجود بخشی با عنوان پردیس در دانشگاه‌های دولتی یا کنار آن به «خداش‌دار شدن استقلال دانشگاه» منجر می‌شود (شماره ۱ و ۶ و ۹). البته ممکن است بسیاری هزینه‌ها از طریق پردیس تأمین شود و این امر به‌نوبه خود استقلال را از دانشگاه می‌گیرد و آن را وابسته به غیر می‌کند که ممکن است پیامدها و اثرات خوبی برای دانشگاه‌های دولتی به همراه نداشته باشد (شماره ۱).

مقوله بعدی، «بالا رفتن توقعات بی‌جای دانشجویان» از استادان و دانشگاه است. دانشجویان در ازای پولی که پرداخت می‌کنند بعضاً این انتظار را دارند که کم‌کاری آنها نادیده انگاشته شود و حتی به‌راحتی و با کمترین سخت‌گیری، درس‌ها و پایان‌نامه خود را بگذرانند. در بسیاری موارد دانشجویان پردیس خود را از دانشجویان دولتی متفاوت می‌دانند و معتقدند که استادان نباید آنها را هم‌تراز دانشجویان دولتی بدانند و انتظارات همگون و مشابه از آنها داشته باشند. این در صورتی است که استادان با این

مسئله مخالف‌اند و معتقدند که دانشجو زمانی که وارد دانشگاه می‌شود (چه پردیس، چه دانشگاه دولتی) باید با آنها به‌طور یکسان برخورد شود و گرنه اعتبار دانشگاه از بین می‌رود (شماره ۵، ۶، ۱۴).

مقوله و دلیل آخری که مخالفت مصاحبه‌شوندگان را توجیه می‌کرد، «پایین آمدن ارزش علم در جامعه» بود. زمانی که علم در جامعه‌ای با پول در یک ترازو قرار بگیرد و افرادی که از بضاعت مالی بالاتری برخوردار باشند به‌راحتی بتوانند از دانشگاه دولتی استفاده کنند، به کم‌ارزش شدن و حتی بی‌ارزش شدن علم در جامعه می‌انجامد و این‌طور تعبیر می‌شود که هر کسی که پول بیشتر داشته باشد، می‌تواند از امکانات بالاتری استفاده کند. در حالی که دانشگاه نباید به مکانی تبدیل شود که درازای پول، مدرک بدهد (شماره ۵، ۶، ۷، ۱۴، ۱۷).

پرسش دوم پژوهش: دیدگاه اعضای هیئت علمی و مدیران گروه‌ها نسبت به راه‌اندازی رشته‌های علوم انسانی در پردیس دانشگاه چیست؟

در این بخش، نظرات مدیران و اعضای هیئت علمی به دو دسته تقسیم می‌شود. دسته اول، کسانی که با راه‌اندازی رشته‌های علوم انسانی در پردیس دانشگاه موافق‌اند و دسته دوم افرادی که مخالف این جریان‌اند.

۱-۲- دیدگاه موافق با راه‌اندازی رشته‌های علوم انسانی در پردیس: مدیران و اعضای هیئت علمی که با راه‌اندازی رشته‌های علوم انسانی در پردیس موافق بودند همگی به مواردی چون «کاربردی بودن»، «پرمقتضای بودن» و «استفاده بهینه از توان و ظرفیت علمی اعضای هیئت علمی» اشاره کردند. لازم به ذکر است ممکن است بسیاری از افراد با راه‌اندازی پردیس‌های دانشگاهی موافق باشند اما با راه‌اندازی رشته‌های علوم انسانی در پردیس، موافق نباشند.

برخی رشته‌ها به دلیل کاربرد زیاد و کمبود آن رشته در سطح کشور بسیار مورد نیاز و کاربردی هستند. جامعه به برخی رشته‌ها، بسیار نیازمند است. رشته‌هایی که مدرس در آن بسیار کم است و نیاز است که در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری، دانشجو پذیرفته شود تا بعداً از آنها استفاده شود (شماره ۴، ۱۱).

رشته‌هایی در علوم انسانی وجود دارد که افراد زیادی خواستار آنها هستند. برای برخی از افراد این رشته‌ها به‌منظور ادامه کار و فعالیت‌هایشان بسیار حیاتی و ضروری است (۱، ۳، ۱۰، ۲۰). از این‌رو، تقاضا برای آن زیاد است و دانشگاه‌ها و مؤسسات دیگر که از این مسئله آگاه‌اند، به پذیرش هرچه بیشتر دانشجو اقدام می‌کنند (۴، ۸).

۱۸). افراد مصاحبه‌شونده بیان کردند زمانی که سایر مؤسسات با کیفیتی پایین دست به این اقدام می‌زنند، پس چرا در دانشگاه‌های دولتی و یا پردیس چنین کاری صورت نگیرد (۸، ۴، ۱۷) و به جذب هر چه بیشتر دانشجو در رشته‌های پرمقتضای رسیدگی نشود (۸).

مورد سوم استفاده از «ظرفیت و توانایی علمی اعضای هیئت علمی» بود. یکی از مسائلی که همگی مطرح کردند، این بود که چرا استادان خارج از دانشگاه مشغول به کار شوند؟ چرا از ظرفیت و توانایی آنها در خود دانشگاه استفاده نشود و کیفیت را به سهم خود بالا نبرند؟ (۲، ۳، ۱۰، ۱۱). به‌طور مثال، مصاحبه‌شونده شماره ۱ بیان کرد که: «به سهم خود می‌توانم کیفیت را تضمین کنم البته، این امر در صورتی رخ خواهد داد که مزایا و دستمزد استادان هم به درستی لحاظ شود».

۲-۲- دیدگاه مخالف با راه‌اندازی رشته‌های علوم انسانی در پردیس: دسته دوم
افراد بی‌بودند که با راه‌اندازی رشته‌های علوم انسانی در پردیس دانشگاه مخالف بودند. دلایلی که به آن اشاره کردند شامل: نداشتن کیفیت پردیس در برابر دانشگاه دولتی و افزایش بیش از اندازه مسئولیت گروه و اعضای هیئت علمی بود. گروهی که مخالف راه‌اندازی این رشته‌ها در پردیس بودند همگی نداشتن کیفیت لازم را عامل اصلی تلقی کردند. همگی، لفظ «دانشجوی پولی» را به‌کار برده و بیان کردند که توقعاتشان از دانشگاه و استادان، بسیار متفاوت است. همین امر باعث می‌شود کیفیت و خروجی نامطلوبی داشته باشد و اعتبار دانشگاه دچار خدشه شود. مثلاً مصاحبه‌شونده شماره ۲ بیان کرد که: «مشکل اصلی این است که دانشجو احساس تضمین می‌کند. یعنی کسی که وارد دانشگاه شده به‌راحتی می‌تواند مدرک بگیرد. دلیل این امر آن است که چون پول داده است، انگار همه چیز حل شده است».

عامل بعدی «افزایش بیش از اندازه مسئولیت گروه و اعضای هیئت علمی» بود که نگرانی و دغدغه خاطری را برای هر دو گروه ایجاد کرده بود. مدیران به این مسئله اشاره کردند که استادان علاوه بر دانشکده و گروه خود باید در پردیس هم مشغول به کار شوند و مسئولیتی مازاد بر عهده آنها گذاشته شود. از سوی دیگر، اعضای هیئت علمی به پردیس به چشم یک موضوع حاشیه‌ای نگاه می‌کنند (۶، ۱۴). چنانچه کار اصلی خود را در گروه و دانشکده انجام می‌دهند و در صورت داشتن وقت اضافی، مسئولیتی در پردیس به عهده می‌گیرند، طبعاً چنین نگاهی مطلوب نیست. به‌عنوان مثال، مصاحبه‌شونده شماره ۱ در همین خصوص بیان کرد که: «در حال حاضر ما

حدود ۲۰ نفر اعضای هیئت علمی داریم و بار گروه، بار قابل توجهی است و اگر بار پردیس را هم بر دوش اعضا بیندازیم، بسیار سنگین خواهد شد. علی‌رغم اینکه پردیس می‌تواند هزینه‌هایی را برای استادان به همراه داشته باشد. یا در جایی دیگر مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ بیان کرد که: «اگر گروه احساس کند که توانایی افزایش ظرفیت را دارد، باید این کار در خود گروه انجام شود؛ چراکه از این طریق استادان بسیار راحت‌تر می‌توانند به امور رسیدگی کنند. مهم‌ترین علتش هم این است که از نگاه هیئت علمی، پردیس در حاشیه قرار دارد و کسی مایه علمی برایش نمی‌گذارد».

پرسش سوم پژوهش: مناسب‌ترین شیوه پذیرش دانشجویان از دید اعضای هیئت

علمی و مدیران گروه‌های علوم انسانی در پردیس دانشگاه، کدام است؟

چگونگی پذیرش به دو زیرمجموعه تقسیم شده است: الف- پذیرش ورودی دانشجویان در پردیس؛ ب- چگونگی گذراندن دوره (آموزشی، پژوهشی، آموزشی-پژوهشی).

۳-۱- پذیرش ورودی دانشجویان در پردیس: نظر بیشتر مصاحبه‌شونده‌ها (۸۰ درصد) بر این بود که از طریق آزمون داخلی دانشگاه هم در مقطع کارشناسی ارشد و هم در مقطع دکتری دانشجوی پذیرش شود. اما ۲۰ درصد از مصاحبه‌شونده‌ها همین روال موجود و از طریق آزمون سراسری را مناسب دانسته‌اند. اعضای هیئت علمی همگی با آزمون داخلی دانشگاه موافق بودند و مناسب‌ترین شیوه پذیرش دانشجویان را به صورت غیرمتمرکز بیان کردند. دلیل مهم و اصلی موافقت با آزمون داخلی و شیوه غیرمتمرکز از سوی مدیران و اعضای هیئت علمی، انتخاب مناسب‌تر دانشجویان بود. به‌طور مثال، مصاحبه‌شونده شماره ۸ بیان کرد که: «اگر پذیرش به صورت دانشگاهی باشد، نتیجه بهتری می‌دهد. مثلاً در سال اول، رشته‌ها توسط خود دانشگاه راه‌اندازی شد و خود دانشگاه تبلیغات لازم برای پذیرش را انجام داد که مزایای زیادی داشت. اما الآن با این وضعیت، نفرت اول کنکور جاهای خوب را می‌زنند. کسی که دانشگاه‌هایی غیردولتی درس خوانده باشد، به احتمال زیاد انتخاب اولش دانشگاه دولتی و پردیس است که این مسئله نمی‌تواند کیفیت و بازده خوبی را برای دانشگاه به همراه داشته باشد». مصاحبه‌شونده‌های ۶، ۷ و ۱۰ که با آزمون سراسری موافق بودند این مسئله را مطرح کردند که اگر روال کنونی تغییر کند در دانشگاه، سردرگمی و بی‌نظمی ایجاد می‌شود و بازگشت به وضعیت باثبات، زمان‌بر خواهد بود. به‌طوری که مصاحبه‌شونده شماره ۷ بیان کرد که: «تعداد پذیرش در مقطع کارشناسی ارشد در

چند سال اخیر بسیار بالاست و اگر به شکلی متفاوت از آن چیزی که الآن هست، پذیرش شود باعث سردرگمی خواهد شد».

۳-۲- چگونگی گذراندن دوره (آموزشی، پژوهشی، آموزشی- پژوهشی):
 تمامی افراد به اتفاق، شیوه آموزشی- پژوهشی را تأیید و بیان کردند که رویکرد آموزشی نمی‌تواند مفید باشد. دانشجویان تحصیلات تکمیلی حتما باید یک کار پژوهشی انجام دهند. البته ضمن تأکید بر این مسئله برخی شرایط مشروط هم قرار دادند. به طور مثال، مصاحبه‌شونده شماره ۳ بیان کرد که: «وجود آموزش‌محور در پردیس بد نیست اما باید در مدرک دانشگاهی حتما لحاظ شود. اگر جایگاه آموزش محور مشخص نباشد، باعث بی‌انگیزه شدن بقیه دانشجویان می‌شود که این اصلا خوب نیست. حتی برخی امور باید دوباره احیا شود. مثل دوره دانشوری که دانشجو وارد مقطع دکتری می‌شد و فقط دروس را می‌گذراند و مدرک دانشوری دریافت می‌کرد. نقطه مقابل، کسی قرار دارد که درسی نمی‌گذراند و تنها کار پژوهشی انجام می‌دهد، در این صورت باید در مدرک، آورده شود و اجازه تدریس نداشته باشد».

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحلیل‌ها نشان داد که نظرات افراد در مورد راه‌اندازی پردیس و رشته‌های علوم انسانی در آن، بسیار متفاوت است. دلیل این تفاوت دیدگاه هم می‌تواند قرار گرفتن پردیس‌های دانشگاهی در مرحله آزمایش و خطا باشد و اینکه سابقه طولانی ندارند. نتایج مربوط به پرسش اول، نشان‌دهنده نظرات موافق و مخالف راه‌اندازی پردیس‌های دانشگاهی است. در این قسمت، مدیران و اعضای هیئت علمی به درآمدزایی و جلوگیری از خروج دانشجویان از کشور اشاره کردند. مطالعات انجام گرفته، هیچ کدام به‌روشنی در خصوص موارد ذکر شده صحبتی نکرده‌اند. اما از آنجا که تأسیس و راه‌اندازی پردیس‌های دانشگاهی به‌نوعی رویکرد خصوصی‌سازی آموزش عالی را در پی دارد، تحقیقات مرتبط در این زمینه به عامل درآمدزایی به‌طور غیر مستقیم اشاره داشته‌اند. به طور مثال، تسنیمی و سجادی (۱۳۸۰)، ایسلام و سلما (۲۰۱۷)، ربیعی و نظریان (۱۳۹۰) و میرزاده و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش خود به این موضوع اشاره کرده‌اند. در پژوهش اول و دوم، بیان شده که دولت باید پیش از اقدام به گسترش و توسعه مراکز آموزشی متعدد و ایجاد هرگونه اصلاحات در ساختار آموزش عالی به روش‌هایی بیندیشد که موجبات تأمین هزینه‌های آموزش عالی را فراهم کند؛ که به

رویکردی اشاره داشته تا از طریق آن آموزش عالی، هزینه‌های خود را برآورده کند. در پژوهش دوم، خصوصی‌سازی به‌عنوان یک سیاست گسترش آموزش عالی و نیز تحقق استقلال مالی دانشگاه‌ها بیان شده است که از همین راه، هزینه‌های مورد نیاز دانشگاه‌ها تأمین می‌شود. از سوی دیگر، از آنجا که درآمدزایی برای کشورهایی که دچار بحران اقتصادی هستند امری بسیار حیاتی است و آموزش عالی هم از مهم‌ترین ارکان در هر نظامی به حساب می‌آید، خصوصی‌سازی می‌تواند تنها راه درمان به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه باشد و این همان عاملی است که در پژوهش سوم به آن اشاره شده است. در خصوص تأمین هزینه‌های تحصیلات تکمیلی به‌ویژه دکتری می‌توان آن را در زیرشاخه درآمدزایی و تأمین هزینه‌های دانشگاهی قرار داد. این نتیجه با تحقیق هولزهاکر و همکاران (۲۰۰۹) و بوبکری و همکاران (۲۰۱۷) همسوست. هولزهاکر و همکاران (۲۰۰۹) در تحقیق خود در این باره اشاره کرده است که شایع‌ترین نوع خصوصی‌سازی در کشورهای توسعه‌یافته، خصوصی‌سازی مؤسسات آموزش عالی با تمرکز بر مؤسسات مستقل و ساز و کار بازگشت هزینه از اجاره‌ها، شهریه‌ها و پرداخت‌های فراگیران است. همچنین بوبکری و همکاران (۲۰۱۷) به معنی داری شهرت، ریسک‌پذیری، بهره‌وری و سودآوری در ارتباط به خصوصی‌سازی اشاره کرده‌اند. در خصوص جلوگیری از خروج دانشجویان، تحقیقی مرتبط یافت نشد. اما این امر مسئله‌ای است که در بدو تأسیس پردیس‌های دانشگاهی مطرح شد و هدف و پایه اصلی آن را جلوگیری از خروج دانشجویان بیان کردند تا از این طریق دانشجویان در داخل کشور، تحصیل کنند.

نتایج بخش دوم پرسش اول که در مورد دیدگاه مخالف راه‌اندازی پردیس‌های دانشگاهی بود، دلایل مخالفت خود را خدشه‌دار شدن استقلال دانشگاه، بالا رفتن توقعات دانشجویان و پایین آمدن ارزش علم مطرح کردند. گرچه وجود تحقیقاتی در ارتباط با این مسئله بسیار کم است اما نتایج با تحقیق ویکس (۲۰۰۶) و لوین (۲۰۱۰) همسو و هماهنگ است. هر دو در تحقیقات خود به این امر اشاره کرده‌اند که خصوصی‌سازی و گسترش مؤسسات، امری مهم و بدیهی است اما باید در این خصوص با احتیاط برخورد کرد. ممکن است کیفیت آنها از کیفیت دانشگاه‌های دولتی پایین‌تر باشد و همین امر موجب زیان آموزش عالی در جامعه شود.

نتایج مربوط به پرسش دوم نشان داد که راه‌اندازی رشته‌های علوم انسانی در پردیس دانشگاه هم شامل دو دیدگاه افراد موافق و مخالف است. دیدگاه افراد موافق شامل: کاربردی بودن، پرمقتضای بودن و استفاده بهینه از توان و ظرفیت علمی استادان بود. افراد مخالف هم به کیفیت پایین و افزایش بیش از اندازه مسئولیت گروه و اعضای هیئت علمی اشاره کردند. پژوهش‌های مرتبط با این موضوع بسیار کم است چنانچه اگر مطالعه‌ای صورت گرفته به‌طور ضمنی به آن اشاره شده است. نتایج تحلیل در خصوص پرمقتضای بودن و کاربردی بودن، با نتایج تحلیل پژوهش‌های روشن (۱۳۸۹) و صالحی عمران (۱۳۹۰) هماهنگ است. به‌طوری که روشن (۱۳۸۹) در تحقیق خود بیان کرده است که اکثریت قریب به اتفاق دانشگاه‌های کشور بیش از ظرفیت بهینه به پذیرش و آموزش دانشجو اقدام کرده‌اند. این در حالی است که افراد مصاحبه‌شونده به همین موضوع اشاره کرده و خواستار وجود رشته‌ها در خود دانشگاه دولتی بودند. در تحقیق صالحی عمران (۱۳۹۰) مهم‌ترین دلیل افزایش مؤسسات غیر انتفاعی و خصوصی، فشار اجتماعی برای ورود به آموزش عالی، مطرح شده است. البته لازم به ذکر است که نتایج تحلیل در خصوص تقاضای زیاد با تحقیق قارون (۱۳۸۱) مطابقت ندارد. وی بیان کرده است که توزیع تقاضای اجتماعی در گروه‌های آزمایشی در سال‌های آینده به سود گروه علوم ریاضی و فنی تغییر خواهد کرد و اگرچه تقاضای زنان برای گروه علوم انسانی افزایش خواهد یافت، سهم گروه علوم انسانی در تقاضای اجتماعی مردان و سهم گروه علوم تجربی در هر دو، روند نزولی خواهد داشت. با توجه به دیدگاه و نظر مدیران و اعضای هیئت علمی، رشته‌هایی که مورد نیاز جامعه محسوب می‌شوند و به‌نوعی جامعه با کمبود آن رشته‌ها مواجه است می‌تواند عاملی برای جذب بیشتر دانشجو باشد. این امر هم به سود دانشجو و هم به سود جامعه خواهد بود؛ چراکه به این نحو با افزایش بی‌رویه رشته‌هایی که عملاً به آنها نیازی نیست روبرو نخواهیم شد. البته این موضوع در گروه آن است که کیفیت فدای کمیت نشود.

نتایج مربوط به پرسش سوم نشان داد که دیدگاه بیشتر افراد بر آزمون‌های داخلی دانشگاه و شیوه غیرمتمرکز تأکید دارند. به‌طوری که از نظر افراد مصاحبه‌شونده با این روش می‌توان به بهترین شکل، افراد مناسب را انتخاب کرد و گزینش صحیحی را به

انجام داد. نتایج تحلیل با تحقیق انگجی و خادمی (۱۳۸۳)، سوخته‌زار (۱۳۹۰) و بورمن (۲۰۰۵) همسوست اما با نتایج تحقیق باقری‌خواه و همکاران (۱۳۹۰) مطابقت ندارد. دسته اول تحقیقات به شیوه غیر متمرکز و استفاده از روش کمی - کیفی برای گزینش دانشجویان اشاره کرده‌اند و اینکه آزمون ورودی و متمرکز مورد استقبال نیست و لزوم غیرمتمرکز بودن و آزمون‌های داخلی مورد پذیرش اکثریت افراد قرار دارد. اما در خصوص نتایج تحقیق باقری‌خواه و همکاران (۱۳۹۰)، وی در تحقیق خود بیان کرده است که بیشتر دانشجویان با شیوه برگزاری آزمون (متمرکز، فراگیر) موافق بوده و اعضای هیئت علمی و مسئولان نیز با شیوه آزمون متمرکز، موافق و با شیوه آزمون فراگیر مخالف هستند. این امر نشان می‌دهد که گرچه اکثریت با آزمون داخلی دانشگاه موافق‌اند اما تعدادی هم هستند که نظری متفاوت داشته باشند و آزمون سراسری و متمرکز را ارجح بدانند. همان‌طور که در تحقیق حاضر برخی از مصاحبه‌شوندگان (۲۰ درصد) با آزمون سراسری موافق بودند. دیدگاه مدیران و اعضای هیئت علمی در مورد چگونگی گذراندن دوره، همگی به‌اتفاق آموزشی - پژوهشی را مناسب‌ترین شیوه دانستند. در صورتی که از سایر شیوه‌ها استفاده شود باید حتما در مدرک تحصیلی دانشجو ذکر شود تا از این طریق بین افرادی که پایان‌نامه گذرانده‌اند و آنهایی که به شیوه آموزشی بوده‌اند تفاوتی وجود داشته باشد در غیر این صورت به بی‌انگیزه شدن دانشجو و پایین آمدن کیفیت آموزشی منجر می‌شود.

به‌طور کلی، با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان این‌طور نتیجه‌گیری کرد که علی‌رغم جنبه‌های مثبت راه‌اندازی رشته‌های مختلف در پردیس‌های دانشگاهی، باید به مسئله استقلال و جایگاه صحیح علم توجه کرد. در گام نخست، این مسئله باید به‌طور کامل برای دانشجویان در قالب قواعد و مقرراتی توضیح داده شود. ارزش و جایگاه علم، مشخص شده و انتظارات علمی از دانشجوی مقطع تحصیلات تکمیلی، روشن و آشکار باشد. این مسئله به یک گروه برنامه‌ریزی هدفمند نیاز دارد.

گام دوم، در خصوص افزایش حجم کاری استادان در این دانشگاه‌ها است. طبیعا باید توازنی در فعالیت اعضای هیئت علمی در دانشگاه‌های دولتی و پردیس برقرار شود. این مسئله به نظارت دانشگاهی و برنامه‌ای مدون برای فعالیت‌های اعضای هیئت علمی نیاز دارد تا از این طریق، کیفیت آموزشی و رضایت از این امور تأمین

شود. گام سوم، در مورد چگونگی پذیرش دانشجویان در پردیس‌های دانشگاهی است. پیشنهاد می‌شود با توجه به یافته‌های به دست آمده، شیوه غیرمتمرکز و مصاحبه برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی اعمال شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- آل آقا، فریده؛ کشاورز، محسن و رحیمی، محسن (۱۳۸۷). روند رشد کمی آموزش عالی خصوصی و دولتی در کشور جمهوری اسلامی ایران. دانش و پژوهش در علوم تربیتی - برنامه‌ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، ۲۰، ۷۳-۱۱۰.
- انگجی، جواد و خادمی، مصطفی (۱۳۸۳). بررسی و مقایسه تطبیقی دانشجوی در کره جنوبی و ایران. علوم سیاسی، ۲۰۳ و ۲۰۴، ۲۳۰-۲۳۵.
- باقری، کریم و کریم‌اف، موسی (۱۳۹۲). تحلیلی نقادانه از روند تاریخی آموزش عالی در ایران. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱، ۲۳-۵۷.
- باقری‌خواه، زهرا؛ عارفی، محبوبه و جمالی، احسان (۱۳۹۰). وضعیت پذیرش دانشجو در آموزش عالی ایران از دیدگاه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، اعضای هیئت علمی سازمان سنجش و مسئولان ذی‌ربط آموزش عالی، اندازه‌گیری تربیتی، ۶، ۱۱۱-۱۳۶.
- تسنیمی، عباسعلی و سجادی، سید مهدی (۱۳۸۰). نقدی بر مبانی نظری خصوصی‌سازی مراکز آموزش عالی. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۰، ۱۵-۴۲.
- ربیعی، علی و نظریان، زهرا (۱۳۹۰). عوامل مؤثر در سیاست‌گذاری آموزش عالی با رویکرد اصل ۴۴. فصلنامه راهبرد، ۶۱، ۲۴۷-۲۷۶.
- رستمی‌نسب، عباسعلی (۱۳۸۴). مبانی تاریخی خصوصی‌سازی مدارس و مراکز آموزش عالی در ایران قبل و بعد از اسلام. نامه علوم انسانی، ۱۲، ۴۱-۸۲.
- روشن، احمدرضا (۱۳۸۹). بهینه‌یابی ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های دولتی ایران. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۵۸، ۹۷-۱۱۶.
- سازمان سنجش آموزش کشور (۱۳۹۶). آزمون ورودی تحصیلات تکمیلی. دوره‌های کارشناسی ارشد ناپیوسته داخل.
- سوخته‌زار، لیلا (۱۳۹۰). بررسی پیامدهای احتمالی، شیوه برگزاری و نوع سؤالات آزمون نیمه‌متمرکز دکتری از دیدگاه اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.

- صالحی عمران، ابراهیم؛ ابراهیمی، قربانعلی و حسینزاده، ملیحه (۱۳۸۹). بررسی عوامل و انگیزه‌های پیدایش و گسترش دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی. *نشریه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم*، ۶، ۳۳۹-۳۴۳.
- صالحی عمران، ابراهیم؛ ابراهیمی، قربانعلی و حسینزاده، ملیحه (۱۳۹۰). بررسی عوامل و انگیزه‌های پیدایش و گسترش دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی در ایران (مطالعه موردی: استان مازندران). *مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۳، ۲۵-۳۵.
- قارون، معصومه (۱۳۸۱). برآورد تقاضای اجتماعی آموزش عالی در ایران در دوره ۸۸-۱۳۸۰. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲۶، ۷۱-۱۱۸.
- قورچیان، نادرقلی و حیدری کرد زنگنه، غلامرضا (۱۳۸۷). ارائه مدلی جهت ارتقا و توسعه خصوصی سازی در ایران. *پژوهشنامه اقتصادی*، ۳۰، ۲۱۹-۲۵۸.
- گال، مریت؛ بورگ، والتر و گال، جویس (۱۳۹۱). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی؛ ترجمه احمدرضا نصر اصفهانی و همکاران. تهران: سمت؛ دانشگاه شهید بهشتی.
- مدهوشی، مهرداد و نیازی، عیسی (۱۳۸۹). بررسی و تبیین جایگاه آموزش عالی در ایران. *آموزش عالی ایران*، ۴، ۱۱۱-۱۴۷.
- میرزاده، اکبر؛ شهبازی، محمد و جواهری کامل، مهدی (۱۳۸۸). نگاهی به فلسفه و روندهای جهانی خصوصی سازی. *تدبیر*، ۲۰۹، ۲۹-۳۴.

- Belfield, C. & Levin, M. (2002). Education privatization: causes, consequences and planning implications. *International Institute for Educational Planning*, 5 (3), 26-36.
- Boubakri, N; Cosset, J. & Saffar, W. (2017). The constraints on full privatization: International evidence. *Journal of Corporate Finance*, 42, 392-407.
- Bowman, J. (2005). Admission practices in master of public administration program. *Public Administration Review*, 48 (5), 867- 869.
- Chang, S. & Boontham, W. (2017). Post-privatization speed of state ownership relinquishment: Determinants and influence on firm performance. *North American Journal of Economics and Finance*, 41, 82-96.
- Crnkovic, B. & Pozega, Z. (2009). Causes & models of privatization in higher education. *Regional University*, 10, 738 - 837.

- Hegde, D. (2005). Public and private universities: Unequal sources of regional Innovation? *Economic Development Quarterly*, 19 (4), 373-389.
- Holzacker, D; Chornoivan, O; Yazilias, D. & Dayan-Ochir, K. (2009). Privatization in higher education: Cross-country analysis of trends, policies, problems, and solutions. *Institute for Higher Education Policy Institute for Higher Education Policy*, 20 (5), 1-27.
- Islam, A & Salma, U. (۲۰۱۶). The Role of Private Universities in Higher Education of Bangladesh: An Empirical Investigation. *International Journal of Finance and Banking Research*, 2 (4), 121-128.
- Levin, A. (2010). Privatization in higher education. *Columbia University*, 85, 35-40.
- Levy, C. (2004). The new institutionalism: Mismatches with private higher education's global growth. *Higher education*, 3, 1-34.
- National Education Association (2004). *Higher Education and Privatization*, 10 (2), 1-40.
- Weeks, P. (2006). Privatization of the Public University: A Risk/benefit analysis, a compilation of papers originally presented at a conference sponsored. *The Merrill Advanced Studies Center*, 11 (6), 35-40.

